

نهادهای مدافع حقوق کودک را باید هر چه بیشتر در ایران ایجاد کرد

فراخوانی به همه انسانهای مدافع حقوق کودک، حقوق بشر، حقوق زنان و حقوق کارگران



مراتب سنگین تر و همه جانبه تر خواهد بود. بخصوص وظیفه انسانهایی که خود را هر چه بیشتر دلسوز به امر سعادت کودکان میدانند و بلطع تا حال نیز دست و روی دست نگذاشته و از هر فرصتی بهره جسته و برای نجات کودکان تلاش کرده اند.

از حقوق کودکان در ایران از الزم آن نمیکاهد. تنها با نگاهی به لیستی از بدبختیهای و معضلاتی که کودکان در ایران با آن روبرو هستند و با توجه به ضعیف بودن صدایی که در اعتراض به این وضعیت جهانی شاهدیم میتوان درجه اهمیت پرداختن به این عرصه و لزوم فوری آن را نشان داد. کودکان خیابانی و کودکان بی سرپرست؛ تنها پرداختن به این مسئله خود کوهی از کار و فعالیت سازمان یافته را میطلبد. کاری که اساسا معطوف به این خواهد بود که دولت و سازمانها مربوطه را ملزم سازیم که با اسکان دادن این کودکان در شلتر و سرپناههای امن، با استاندارد بالا آنها را هر چه سریعتر نه تنها از گزند باندهای قاچاق انسان و سو استفاده گر نجات داده بلکه امر آموزش و پرورش آنان را نیز سامان دهند و همچنین به دست خانواده هایی

صفحه ۲



هما ارجمند و جلیل بهروزی

کودکان آن بخشی از جامعه هستند که از کمترین قدرت و امکان در دفاع از صیانت خود، زندگی بهتر برای خود و حقوق پایه ای خود برخوردارند و اساسا به همین اعتبار به آنان کودک میگویند. این وظیفه بزرگسالان است که در حفظ موجودیت، سلامتی، شادابی و پرورش همه جانبه آنان تلاش کنند. اما اگر در جامعه زندگی میکنیم که رسم و سنتهای عقب مانده کماکان جان سختی میکنند، مذهب هنوز در امور جامعه، خانواده، آموزش و پرورش دست دارد و از همه مهم تر با حکومتی مواجه هستیم که مذهبی است و برای انسانیت، کودک و تعالی آن کوچکترین ارزشی قایل نیست، این وظیفه به

کودکان خیابانی ضعیفترین آسیب پذیران در ایران



پائیز بارانی، ایران

زندگی کودکان خیابانی در ایران به یک پدیده دردناک تبدیل شده است. در بسیاری از شهرهای بزرگ و کوچک ایران بویژه تهران روزانه شاهد صدها کودک خیابانی هستیم که بر سر چهار راهها در حال فروختن آدامس، روزنامه، گل ... هستند و یا با التماس از رانندگان میخواهند تا اجازه دهند شیشه ماشینهایشان را با دستان کوچکشان پاک کنند. کودکانی که حتی در بین آنها کودکانی با سنین بسیار پائین دیده میشود. این کودکان روزها بر سر فروختن خرده ریزهایشان بر سر چهارراهها و یا فروختن فال حافظ با هم دعوا میکنند. در این بین همیشه کودکان کوچکترند که بازنده این دعواهای خیابانی هستند و در گوشه ای می ایستند و تنها و بی دفاع میگردند. شها برای خوابیدن جایی به جز گوشه خیابانها داخل کارتنهای خالی و زیر اتوبوسها ندارند. اما زندگی جهانی این کودکان تنها در همین بعد خلاصه نمیشود. بسیاری از این کودکان خیابانی مورد انواع تحقیرها، توهین ها سواستفاده های جنسی و روحی ماعتیاد و سوتغذیه و انواع بیماریها قرار میگیرند. در بین این کودکان سهم دختر بچه ها از این هم ظلم و بی عدالتی بیشتر از پسر بچه ها است. از اینرو بسیاری از دختر بچه ها را می بینیم که با ظاهری کاملا پسرانه و سری تراشیده مشغول به کار هستند که نشان میدهد جنسیتشان تا چه حد آنها را تحت فشار مضاعف قرار داده است.

صفحه ۳

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

نهادهای مدافع حقوق کودک

که از توانایی، امکانات و قابلیت سرپرستی کردن کودک برخوردارند بسیاریند. کودکان کار؛ در ایران چندین میلیون کودک زیر سن قانونی در کارگاههای تولیدی، کورپزخانه ها، مزارع، قالی بافی ها و غیره امروز به کار کشیده میشوند و تحت شرایط طاقت فرسایی استثمار میگردند. (بنا به آمارهای رسمی ۱۸ درصد کودکان در حالی که جای این کودکان در مدارس و محلهای بازی و تفریح است. مبارزه گسترده برای پایان دادن به کار کودکان خود عرصه وسیعی است که زمینه ها مختلفی را از کار آگاهگرایانه در جامعه تا فشار به دولت برای پی گرفتن یک اقدام جدی جهت تعقیب

دبیر «کودکان مقدمند» هما ارجمند

homawpi@rogers.com

سردبیر هفته نامه «کودکان مقدمند» فرزاد ادیبی

e.mail:

kodakan_moqadamand@hotmail.com

مسئولین مرکز پخش:

شاهلا خباززاده

سروش ابراهیمی

kudakanmoqadam@aol.com

Shahlabazzade@aol.com

soroshebi@yahoo.com

و مجازات کسانی که کودکان را به کار میکشند تا تحریم خرید اجناسی که با کار کودکان تولید شده است و غیره را دربرمیگیرد.

استفاده از کودکان در تجارت سکس؛ از دیگر فجایعی است که امروز در مقیاس وسیع در ایران کودکان با آن روبرو هستند. مقابله همه جانبه بر علیه استفاده از کودکان در تجارت سکس و پورنوگرافیک، تا سرعت کودکان توسط باندهای تجارت سکس و کشانده شدن کودکان به دام افراد و گروه های حرفه ای فروش سکس بخاطر فقر خانوادگی، خود یک امر مهمی است که دخالت گری فعال انسانها و نهادهای مدافع حقوق کودک را احتیاج دارد. مبارزه ای که یک طرف آن دولت است که باید ملزم به وضع قوانین سخت و پیگیری و تعقیب عاملین این تجارت سیاه و ضد انسانی گشته و بطور دایم وظیفه حمایت از کودکان جدا از وضعیت خانواده ها را عهده دار باشد.

مبارزه برای تحصیل همگانی و مجانی کودکان؛ میلیونها کودک امروز در ایران بی سوادند و یا به مدرسه نمیروند. مسبب اصلی این محرومیت در درجه اول حکومت است. آموزش و پرورش باید مجانی و اجباری باشد. دولت موظف است با ایجاد مدارس با فضای مناسب، امن و بهداشتی و در اختیار گذاشتن معلم و امکانات لازم با استاندارد بالا برای همه کودکان این معضل اساسی را حل کند. پرداختن به مسئله سواد آموزی کودکان خود میتواند مبنای یک کمپین

گسترده و ادامه دار نهادهای مدافع حقوق کودک در ایران باشد.

حقوق کودکان با ناتوانیهای جسمی و ذهنی؛ کودکان معلول و کودکان عقب مانده بیشترین ستم و حق کش و محرومیت را متحمل میشوند. این کودکان بخاطر نیاز شدیدشان به مراقبتهای ویژه، تغذیه، بهداشت و آموزش مخصوص بیش از همه محتاج آنند که از کمکهای وسیع سازمانهای دولتی برخوردار گردند. تحمیل این چنین مسئولیتی نیاز به یک فشار دائم مردم و سازمانهای مدافع حقوق کودکان دارد. همچنین فرهنگ غالب کم توجه ای و یا تحقیر کردن این گونه کودکان در خانه و بخصوص در بیرون از خانه خود به یک مبارزه وسیع آگاهگرایانه در جامعه را احتیاج دارد.

میتوان به این لیست همچنان افزود اما بخاطر کوتاه کردن مطلب تاکید میکنیم که به "بیانه حقوق کودک" که توسط نهاد کودکان مقدمه داده شده است مراجعه کرده تا به ابعاد و دامنه عرصه مبارزه برای حقوق کودکان آشنایی بیشتری پیدا کرد. عرصه ای که همچنین میتواند مسئله مبارزه با ستم کشی مضاعف کودکان دختر در جامعه، مسئله زندان کردن کودکان بخاطر اعمال خلاف قانون و اعدام کودکان، به خدمت گرفتن کودکان در

ارتش و... را دربر گیرد. اما اهمیت یک مسئله خوبودی امکان پاسخگویی به آن را نیز بوجود نیامورد از این رو این سوال اساسی بجا است که آیا میتوان نهادهای مدافع حقوق کودک

را در ایران ایجاد کرد؟ واقعیت این است که هم اکنون چندین گروه و سازمان در این رابطه وجود دارد و کوششهای وسیعی نیز توسط افراد مختلف در جهت تامین حقوق کودکان صورت میگیرد. اما همین واقعیت در عین حال نشان میدهد که چقدر وجود سازمانها و فعالیتهای موجود کفاف مسئله را نمیدهند. از این رو فراخوان ما دقیقاً این هدف را دنبال میکند تا نیروهای بیشتری را در عرصه مبارزه برای حقوق کودکان در ایران بسیج کند.

همانطور که در بالا گفتیم وجود یک تمایل عمومی و میلیونی در جامعه در حمایت از کودکان و حقوق آنان سنگ بنای هر حرکت سازمان یافته در این زمینه است. این خود بیشترین حفاظت از هر جریانی که بخواهد به ایجاد تشکل مدافع حقوق کودکان بپردازد را فراهم میسازد. هیچ حکومتی نمیتواند به راحتی نهادی که متکی بر حمایت وسیع جامعه است را از بین ببرد. سازمانی که بلاواسطه معطوف به کودکان است را نمیتوان با هیچ توجیه ای سرکوب کرد. بخصوص در شرایط کنونی که وضعیت جمهوری اسلامی شدیداً متزلزل است و قدرت تعرض آن بسیار ضعیف است. اما در عین حال برای این که ضریب ریسک را پایین آورده باشیم میتوانیم به شکل کمپینی فعالیت خود را آغاز کنیم. بطور نمونه کمپین دفاع از کودکان خیابانی و یا کودکان کار و غیره. و یا

تشکلی که فکوس عمده آن بروی یک مسئله و یا یک معضل است، چون "نهاد مبارزه برای حق تحصیل مجانی و اجباری همه کودکان".

داشتن یک افق روشن، اهداف انسانی و تمامیت خواه همچنین شرط مهمی برای پیشروی و نفوذ در جامعه است. اتکا به رئوس برنامه ای که بر مبنای آخرین دستاوردهای بشری در زمینه حقوق کودکان تهیه شده باشد منبع مهمی است برای کار تبلیغی، آگاهگرایانه و بسیج مردم. محور قرار دادن کودک و خواست یک زندگی انسانی و قرن بیست یکمی برای او هر تشکل مدافع حقوق کودک را در مدت بسیار کوتاهی به اهرمی قدرتمند در جامعه بدل خواهد کرد که هیچ نیرویی نمیتواند به آسانی آن را نادیده گرفته و یا مانع جدی در سر راه آن ایجاد کند. با این اوصاف باید وسعیا به پای ایجاد نهادها و سازمانهای مدافع حقوق کودکان رفت. از تجربه های موفق در خود ایران باید بهره گرفت و از تلفیق آن با یک پلاتنفرم روشن و مترقی از نوعی که نهاد کودکان مقدمند ارائه داده است فعالیت وسیعی را آغاز کرد. در آخر این را هم باید تاکید کنیم که ایجاد رابطه محکم بین گروههای مختلفی که در این زمینه کار میکنند و همچنین ارتباط با سازمانها و گروههای فعال در سطح بین المللی از دیگر قدمهای اساسی است که باید برداشت. با امید به شکل گیری هر چه بیشتر سازمانها و نهادهای مربوط به حقوق کودکان در ایران و ایجاد تغییرات مهم در وضعیت این عزیزان.

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه

سخنی کوتاه درباره بریس (۱)



ترجمه ویدا بهروز

بریس یک تشکیلات غیر انتفاعی و بدون وابستگی سیاسی و مذهبی است. این سازمان از حقوق کودکانی که مورد آسیبهای روانی و فیزیکی قرار می گیرند، دفاع می کند و همچنین پلی بین کودکان، بزرگسالان و جامعه می باشد.

کند آنها را هم تشویق میکند که مشکلات خود را برای افراد دیگر بازگو کنند.

بریس در سال ۱۹۷۱ در کشور سوئد بنیاد گذاشته شد که علاوه بر اینکه دارای یک تشکیلات کشوری می باشد در پنج منطقه مختلف هم مشغول بکار است. هر منطقه دارای یک دبیرخانه که از کارمندان ثابت و همچنین اشخاص غیر انتفاعی تشکیل می شود. گروه اخیر دارای تجربه کاری با کودکان هستند و همچنین تخصصیات مخصوص در این زمینه را هم آموخته اند.

بریس همواره تلاش می کند که بر افکار عمومی و تصمیم گیران جامعه تاثیر بگذارد و احترام بزرگسالها نسبت به کودکان را از یاد بخشد. هدف این تشکیلات قوی ساختن حقوق بچه ها و جوانان و بهبود دادن شرایط زندگی آنها بر اساس قوانین سازمان بشر می باشد. بریس علاوه بر

اینکه از کودکان و جوانانی که در معرض فشار سخت درخانه و جامعه دفاع می

بریس همواره تلاش می کند که بر افکار عمومی و تصمیم گیران جامعه تاثیر بگذارد و احترام بزرگسالها نسبت به کودکان را از یاد بخشد. هدف این تشکیلات قوی ساختن حقوق بچه ها و جوانان و بهبود دادن شرایط زندگی آنها بر اساس قوانین سازمان بشر می باشد. بریس علاوه بر

اینکه از کودکان و جوانانی که در معرض فشار سخت درخانه و جامعه دفاع می

**سردبیر این شماره:
امیر توکلی**

حق من بعنوان یک کودک کجاست؟



سروش ابراهیمی

یکشنبه ۵ ژوئن تظاهراتی در مقابل کمپ دیپورتی ترآپل با شرکت گروهی از سازمانهای مدافع حقوق پناهنده و همچنین به اتفاق فدراسیون سراسری پناهندگان و با شرکت نهاد کودکان مقدمند، در هلند انجام شد. پناهندگانی که در این کمپ دیپورتی بسر میبرند با سر دادن شعار ما به کشورمان بر نخواهیم گشت، اعتراضشان را به وضعیتشان بیان کردند.

این کمپ که فقط به منظور دیپورت پناهجویان به کشورشان باز شده از تمامی پناهندگانی که پروندهشان به هر دلیلی رد شده یا میخواهند به کشورشان بازگردانده شوند و یا صورت غیرقانونی در خیابان رها میشوند که باز هم در نهایت پناهندگان قاچاق و بدون اوراق هویت را پلیس دستگیر میکند و باز میگرداند. در این تظاهرات بیشترین و ضعیفترین قربانیان این عرصه تحمیل شده و مرگ تدریجی کودکان هستند. کودکان در این تظاهرات با پلاکاردهایی مانند: پس حق من بعنوان یک کودک کجاست؟ شرکت داشتند. مهمترین خواست این تظاهرات بسته شدن این کمپ و اجازه اقامت در هلند بود.

ادامه

کودکان خیابانی

این کودکان که محصول یک نظام کثیف سرمایه داری و یک حکومت اسلامی هستند باید در این میان قربانی شوند تا عده ای روز به روز بر ثروتهای بی حساب و کتابشان افزوده شود. این کودکان

قربانیان اصلی این نابرابریها و بی عدالتی های اجتماعی هستند. کودکان خیابانی حق دارند از تخصصیات رایگان بهداشت همگانی و امکاناتی برای زندگی که حق همه کودکان است برخوردار باشند. این کودکان حق دارند بخندند، بازی کنند و با

رویاهایشان به دور دستها پرواز کنند و در دنیای بی دغدغه و آرام کودکیشان زندگی کنند. گرسنگی، ستم و نادانی حق هیچ کودکی در هیچ کجای دنیا نیست. باید بساط این فجیعترین رفتار در مورد کودکانمان را برچینیم.

ادامه

کودکان و مجازات

زمینه حقوق کودکان بزند. اما بدرجه ای که هوشیاری جامعه نسبت به حقوق اولیه کودکان تقویت شود، به درجه ای که نهادها و سازمانهای مدافع

حقوق کودک در سطحی گسترده شکل گرفته و فعال گردند، میتوان انتظار داشت با اتکا به فشار وسیع و توده ای رژیم جمهوری اسلامی را به عقب نشینهای مهمی وادار کرد. که در این میان خواست لغو اعدام که شامل حال کودکان نیز

میگردد، بالا بردن سقف سن قانونی برای کودکان، برخورداری کودکان ناقض قوانین و خلافکار از حمایت و شرایط لازم جهت تامین سلامتی شخصیتی و روانی از اهمیت برجسته ای برخوردار دارد.

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

کودکان و مجازات



جلیل بهروزی

جامعه و دولت است که نه تنها بهداشت، تغذیه و آموزش کودکان را جدا از وضعیت خانوادگی آنان تامین کند بلکه همچنین موظف است کودکانی که به ناهنجاریهای رفتاری و شخصیتی دچارند را نیز در کنف حمایت خود گرفته و در تامین سلامتی روانی آنان بکوشد. کودکان را تا زمانی که کودکند نمیتوان مسئول کامل تمام اعمالشان دانست. همانطور که انتظار نمیتوان داشت که کودک بتواند تمام مسئولیتهای یک شخص بزرگسال را از جمله سرپرستی خانواده، تامین معاش

و یا حقوق دیگران را زیر پا میگذارد بیش از همه نشان دهنده شرایط ناسالم روحی و تربیتی او است و این بیش از آن که مجازات و برخورد حقوقی را بطلبد به مددکاریهای روانی و تربیتی نیاز دارد. این به این معنی است که اولاً کودکان خلاف کار را نباید به زندان برد و یا زیر بازجویی پلیسی قرار داد. نباید عمل این گونه کودکان در دادگاهها رسیدگی شود. نباید برای کودکان زیر ۱۸ سال پرونده

باشد. همه میدانیم که چقدر اساس سیستم قضایی و محاکمات در جوامع کنونی ناعادلانه، قسی القلبانه و انتقام جویانه است. و چقدر زندانها نه تنها محلی برای کنترل آدمهایی که برای جامعه خطرناک هستند نبوده (چرا که بیش از همان تعداد زندانی، هستند کسانی که در آسیب رساندن به جامعه و مردم در مقیاس ماکرو دست داشته ولی به خاطر پول و نفوذ آزادند)

کودکان و صیانت آنان مطالبه بالا بردن سقف حداقل سن رسمی برای فرد که کودک محسوب شود، است <آ>. بنحوی که شخص در صورت ارتکاب به عمل خلاف قانون بتواند از حمایت مربوط به کودکان محروم نگردند. یک مطالبه مترقی آن است که این حداقل سن را همان حداقل سنی بدانند که فرد کودک به حساب میآید، یعنی بالای ۱۸ سال. این یکی از تناقضات مهم کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل است که از یک طرف کودک را کسی میدانند که ۱۸ سال را تمام کرده باشد و از طرف دیگر از کشورهای امضا کننده این کنوانسیون میخواهد که به تعیین حداقل سن برای کودک در صورت ارتکاب جرم "پیردازد. از دیگر ایرادات مهم همین کنوانسیون این است که عملکرد خلاف قانون کودک را جرم میدانند و تنها در زمینه نوع رفتار با کودکان "مجرم" مسئله دارد. در حالی که باز بر مبنای یک بیانیه مترقی و ماکزیمالیست در زمینه حقوق کودک، کودکان مجرم نیستند حتی اگر قوانین را زیر پا گذاشته باشند و یا به عملی در ضدیت با جان، مال و حرمت کسی مبادرت کرده باشند (که باز بنا بر مبنای حقوقی متداول عملی ضد قانونی <آ> مرتکب شده است). جنبه دیگر مسئله نوع برخورداری است که با کودکانی خلاف کار میشود. وقتی که با کودکان در زمینه های جنحه و جنایی همچون یک بزرگسال برخورد گردد، یعنی کسی که باید بطور کامل مسئول اعمال خویش باشد، دور از انتظار نیست که نوع برخورد و نوع "مجازات" آنان بر اجحاف و خشونت آشکار دولتی مبتنی

یکی از حق کشیهای بزرگی که کودکان در ابعاد جهانی به آن مواجهه اند مجازات بخاطر عمل غیر قانونی است که از آنان سر میزند. دولتها و مقامات قضایی با این گونه کودکان همچون مجرم و یا بزرگسال خاطی عمل میکنند. به زیر بازپرسی و حتی شکنجه برای اعتراف میکنند به دادگاه و زندان میبرند و یا حتی به همان میزان به مجازات میرسانند که یک بزرگسال را. البته هستند کشورهایی که خلافکاران زیر ۱۶ و یا ۱۸ سال را چون مجرمان جنایی ندانسته و در موسسات بخصوصی در عین کنترل به روان درمانی و یا تربیت آنان میپردازند. از جمله در کشورهای اسکانندیناوی و یا کانادا. و یا کشورهایی که مجازات را موکول به زمانی میکنند که کودک به سن قانونی و یا بزرگسالی میرسد. در ایران، جمهوری اسلامی نه تنها به هیچ قاعده ای در این رابطه پایبند نیست بلکه حتی موارد زیادی افراد زیر سن قانونی (بنا به معیارهای بین المللی) را به اعدام محکوم کرده و به قتل رسانده است (سن قانونی در ایران برای دختران ۹ سال و برای پسران ۱۲ سال است) و این در حالی است که حداقل کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل اعدام کودکان را ممنوع اعلام کرده و جمهوری اسلامی نیز این کنوانسیون را پذیرفته است. از این رو یک خواست پایه ای در ایران برای حمایت از



ISNA/PHOTO (MAGRO)

و یا وظایف بسیار پیچیده اداری، حقوقی و تکنیکی سازمانها و نهادهای اجتماعی را عهده گیرد، نمیتوان انتظار داشت که کودک مسئولیت تمام رفتارهای خویش را نیز بدوش کشد. البته در ایران همانطور که در ابتدا گفته شود بخاطر یک رژیم کاملاً ضد بشری و مذهبی وضعیت کودکان وخیمتر از آن است که انتظار داشت دولت و نهادهای آن به سادگی دست به رفرمهای هرچند کوچک در

ساخت بنحوی که در یافتن شغل، ادامه تحصیل و فعالیتهای اجتماعی آتی آنان تاثیر داشته باشد. بلکه از همان بدو امر هر مورد ارتکاب به خلاف را در جایی عاری از هر گونه اتمسفر پلیسی از طریق مددکاران اجتماعی مخصوص کودکان و روانشناس کودک و در صورت لزوم با حضور خانواده و یا نزدیکان به کودک بررسی کرد. و در ضمن حمایت از کودکان خلاف کار به ترمیم صدمات وارد شده به شخصیت و روان آنان پرداخت. این وظیفه

بلکه بیشتر مواقع خود محیطی برای پرورش انسانهای شرور و خاطی است. وقتی سیستم موجود در برخورد به بزرگسالانی که مرتکب جرم میشوند نه بر تصحیح رفتار و ایجاد سلامتی شخصیتی فرد بلکه اساساً بر خورد کردن و تحقیر او استوار است به سادگی میتوان به عمق صدمه و جراحت روحی و جسمی که به کودکان خلافکار وارد میشود پی برد. در حالی که میدانیم رفتار یک کودک خطاکار، یک کودکی که به دیگران آسیب میرساند